

بررسی بازتاب اربعین در ادبیات عربی و فارسی

آرین چمن پیرا

دانشجو مقطع کارشناسی آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مقصودی همدان

arian81chamanpira@gmail.com

09189272969

چکیده

اربعین حسینی به عنوان یکی از مهم ترین آیین های مذهبی شیعیان، جایگاهی ویژه در فرهنگ و ادبیات اسلامی دارد. این پژوهش با رویکرد تطبیقی، بازتاب اربعین در ادبیات فارسی و عربی را از دوره کلاسیک تا معاصر بررسی می کند. تحلیل اشعار و متون ادبی نشان می دهد که ادبیات این دو زبان، ضمن حفظ ویژگی های زبانی خود، نقش مؤثری در انتقال مفاهیم دینی، حماسی و عرفانی واقعه عاشورا و زیارت اربعین ایفا کرده اند.

واژگان کلیدی: اربعین، عاشورا، ادبیات فارسی، ادبیات عربی

مقدمه

اربعین، چهلمین روز پس از شهادت امام حسین (ع)، نه تنها یکی از مهم ترین مناسبت های مذهبی شیعیان بلکه نمادی جهانی از استمرار نهضت حسینی و پیام عاشورا در تاریخ اسلام است (نفیسی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۱۲۰). این واقعه تاریخی و آیینی، که یادآور مظلومیت و ایستادگی امام حسین (ع) و یارانش در برابر ظلم و ستم است، نقش مهمی در شکل دهی به هویت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی جامعه شیعیان داشته و دارد (صفا، ۱۳۸۵: ص ۳۰۲). اربعین، به عنوان یکی از بزرگ ترین تجمعات مذهبی جهان، علاوه بر ابعاد دینی و اعتقادی، تاثیر عمیقی بر عرصه های مختلف فرهنگی و هنری به ویژه ادبیات داشته است. در طول تاریخ، شاعران و نویسندگان فارسی و عربی با زبان هنر، از طریق اشعار، نثرها و روایت های آیینی، تلاش کرده اند تا پیام عاشورا و اهمیت اربعین را به نسل های بعد منتقل کنند و آن را زنده نگه دارند (امین پور، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰). در ادبیات فارسی، شعرای کلاسیک مانند محتشم کاشانی و صائب تبریزی از نخستین کسانی بودند که به مضامین عاشورایی و بازتاب اربعین پرداختند. در دوره معاصر نیز شاعرانی همچون قیصر امین پور و علیرضا قزوه، ضمن حفظ اصالت های آیینی، با نگرشی نوین به بیان مفاهیم

مقاومت، ایثار و انتظار پرداخته‌اند (جلیلی، ۱۴۰۰: ص ۴۴). از سوی دیگر، ادبیات عربی، که زادگاه اصلی بسیاری از مفاهیم دینی و عاشورایی است، از دوران نخستین اسلام تا امروز شاعران برجسته‌ای چون دعبل خزاعی و سید حیدر حلی را در خود دیده که با زبان غنی و بیانی حماسی، مصائب اهل بیت (ع) را به نظم کشیده‌اند (طه حسین، ۱۹۸۲: ج ۱، ص ۹۲). در عصر معاصر نیز، با توجه به تحولات سیاسی و فرهنگی در کشورهای عربی، شاعران جدیدی مانند مظفر النواب و جواد الحطاب با پرداختن به آیین اربعین، تلاش کرده‌اند تا پیام همبستگی و مقاومت را در میان مردم زنده کنند (یحیی، ۲۰۱۴: ص ۸۸). با توجه به اهمیت ادبیات در انتقال فرهنگی و مذهبی، این پژوهش با رویکرد تطبیقی و تحلیلی، به بررسی نقش اربعین در ادبیات فارسی و عربی می‌پردازد و سعی دارد ضمن تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در نگرش شاعران و نویسندگان این دو زبان، جایگاه اربعین را به عنوان نمادی چندوجهی در بستر ادبیات و فرهنگ اسلامی روشن سازد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده است. اطلاعات از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای آثار شاعران فارسی‌زبان و عرب‌زبان گردآوری شده‌اند. نمونه‌های مورد بررسی شامل اشعار و متون ادبی مرتبط با اربعین از دوره‌های مختلف تاریخی است. در این تحلیل، با تمرکز بر مفاهیم دینی، حماسی و عرفانی، شباهت‌ها و تفاوت‌های ادبیات فارسی و عربی در بازتاب واقعه اربعین استخراج و تبیین شده است.

1. اربعین در ادبیات فارسی کلاسیک

ادبیات فارسی کلاسیک، به‌ویژه شعر آیینی، همواره آینه‌ای از باورها، احساسات و آیین‌های مذهبی مردم ایران بوده است. از میان این مضامین، نهضت عاشورا و واقعه کربلا جایگاهی ممتاز دارد و اربعین، به‌عنوان چهلمین روز شهادت امام حسین (ع)، در امتداد آن درک می‌شود. یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های شعر عاشورایی، ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی با مطلع «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» است که در آن، شاعر با لحنی حماسی و اندوهناک، ابعاد مختلف واقعه عاشورا را به تصویر کشیده است. اگرچه در این منظومه به‌صورت مستقیم به اربعین اشاره نشده، اما در برخی ابیات، از بازگشت کاروان اسرا و زیارت تربت امام حسین (ع) سخن به میان آمده که مفهومی نزدیک به اربعین دارد (نفیسی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۱۴۰). در دوره صفوی، هم‌زمان با رسمی‌شدن مذهب تشیع، ادبیات آیینی رونق بیشتری یافت و شاعران بزرگی چون کلیم کاشانی، وحشی بافقی، هاتف اصفهانی و صائب تبریزی، با تأثیر از فضای مذهبی جامعه، به بازتاب مفاهیم مرتبط با عاشورا و اربعین پرداختند. گرچه اشارات صریح به واژه «اربعین» در اشعار آنان اندک است، اما مفاهیمی چون اندوه بازماندگان، اسارت خاندان اهل بیت، بازگشت به کربلا و زیارت تربت، به‌صورت غیرمستقیم دلالت بر این مناسبت دارد. از سوی دیگر، در حوزه نثر، آثار تعلیمی و مذهبی آن دوران نقش پررنگی در تبیین وقایع کربلا و آیین اربعین داشته‌اند. کتاب «روضه الشهداء» اثر ملاحسین واعظ کاشفی یکی از نخستین نمونه‌های منشور عاشورایی است که به‌شکلی روایی و عاطفی، مصائب امام حسین (ع)

و یارانش را شرح می‌دهد. اگرچه این اثر پیش از رسمیت یافتن مراسم اربعین به شکل امروزی نگاشته شده، اما مفاهیم آن، بستر مناسبی برای توسعه آیین اربعین در فرهنگ ایرانی فراهم آورده است (صفا، ۱۳۸۵: ص ۲۵۸). همچنین در قالب‌هایی چون تعزیه‌نامه‌ها، مراثی و مناجات‌نامه‌ها، مفاهیم مربوط به اربعین با بهره‌گیری از عناصر نمایشی، زبانی و آوایی بازنمایی شده‌اند. این آثار، اغلب در قالب مجالس سوگواری دهه آخر صفر و اربعین خوانده می‌شدند و در انتقال مفاهیم عاشورا به نسل‌های بعدی نقش مهمی ایفا کردند.

2. بازتاب اربعین در شعر معاصر فارسی

در شعر معاصر فارسی، رویکرد به مفاهیم دینی، به‌ویژه عاشورا و اربعین، وارد مرحله‌ای تازه و اجتماعی‌تر شده است. تحولات سیاسی و فرهنگی قرن اخیر، به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران و جریان‌های مقاومت منطقه‌ای، سبب شد تا شاعران فارسی‌زبان، با نگاهی تازه به عاشورا بنگرند و آن را نه صرفاً رویدادی تاریخی، بلکه الگویی برای مبارزه، بیداری و پایداری قلمداد کنند. در این میان، مناسبت اربعین، به‌عنوان نماد «استمرار پیام عاشورا» و «بازخوانی رسالت زینب‌گونه در تاریخ»، جایگاه ویژه‌ای یافته است. شاعران برجسته‌ای چون سید حسن حسینی، حمید سبزواری، علیرضا قزوه، محمدکاظم کاظمی و قیصر امین‌پور با زبان‌های گوناگون شاعرانه و با تکیه بر فرم‌های نوین شعری، مضامین اربعینی را در اشعار خود بازتاب داده‌اند. این شاعران، علاوه بر پرداختن به ابعاد تراژیک واقعه کربلا، بر عناصر الهام‌بخش آن مانند ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی، صبر، شهادت‌طلبی و وحدت امت اسلامی تمرکز کرده‌اند. قیصر امین‌پور در شعر «مرثیه‌ای برای درخت» با بهره‌گیری از زبانی تمثیلی و استعاره‌ای، پیوندی میان رنج تاریخی انسان و واقعه عاشورا برقرار می‌کند. او با اشاره غیرمستقیم به اربعین، آن را جلوه‌ای از حرکت مستمر انسان مؤمن در مسیر عدالت‌خواهی و بازگشت آگاهانه به ارزش‌های دینی می‌داند. در این شعر، درختی که «هر روز بهانه‌ای برای گریستن دارد» می‌تواند نمادی از کاروانی باشد که در اربعین به مزار شهید بازمی‌گردد (امین‌پور، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰). ادبیات پایداری که پس از انقلاب اسلامی شکوفا شد، نیز سهم بزرگی در انعکاس مفاهیم اربعینی دارد. شاعران این جریان، اربعین را تنها یک آیین مذهبی نمی‌دانند، بلکه آن را نماد روشنی از وحدت امت اسلامی، مبارزه با استکبار جهانی و اتصال امت امروز با امت عاشورایی دیروز تلقی کرده‌اند. با گسترش پدیده راهپیمایی اربعین، که در سال‌های اخیر به یک جلوه‌ی جهانی از حضور شیعیان و آزادگان جهان در مسیر کربلا تبدیل شده است، فضای شعر فارسی نیز بیش از گذشته به سمت بازآفرینی حماسه اربعین گرایش یافته است. در این میان، شاعرانی مانند علیرضا قزوه با سرودن مجموعه‌هایی چون «پرواز در قفس»، «چای در بغداد» و اشعار اربعینی خاص، نقش ویژه‌ای در بازنمایی راهپیمایی میلیونی اربعین داشته‌اند. قزوه در اشعارش، اربعین را پلی میان گذشته و حال، بین کربلای ۶۱ هجری و مقاومت قرن ۲۱ میلادی می‌داند و آن را زمینه‌ساز ظهور و تحقق عدالت‌نهایی در جهان معرفی می‌کند (جلیلی، ۱۴۰۰: ص ۴۴). به‌طور کلی، شعر معاصر فارسی از منظر زبان، ساختار، محتوا و نگرش، چرخشی از مرثیه‌سرایی سنتی به بیانی حماسی، اجتماعی و انقلابی داشته است. شاعران این دوره، با نگاه به آینده و امتداد حرکت عاشورا، تلاش کرده‌اند اربعین را نه فقط در هیئت یک واقعه تاریخی، بلکه به مثابه «گفتمان هویتی تمدن اسلامی نوین» بازآفرینی کنند.

3. اربعین در ادبیات عربی کلاسیک

ادبیات عربی کلاسیک، به‌ویژه در میان شاعران و نویسندگان شیعی، همواره حامل پیام‌های عاشورایی و به‌ویژه آیین اربعین بوده است. این بازتاب از قرون نخستین اسلامی آغاز شده و تا دوره‌های متأخر ادامه یافته است. دعبل خزاعی، شاعر پرآوازه شیعه در عصر عباسی، از پیشگامان مرثیه‌سرایی درباره مصائب اهل بیت علیهم‌السلام است. در اشعار او، سوگ‌نامه‌هایی دیده می‌شود که با بهره‌گیری از صنایع بدیعی و بلاغی، حماسه کربلا و شهادت امام حسین(ع) را به تصویر می‌کشند. هرچند اشاره مستقیم به اربعین در اشعار او کم‌رنگ است، اما مضمون «بازگشت به کربلا» و «یادآوری شهیدان» با نگاه اربعینی پیوند دارد (طه حسین، ۱۹۸۲: ج ۱، ص ۹۲). در دوره‌های بعد، شعرایی چون سید جعفر حلی و محمدرضا شبر، با نگاهی خاص به حادثه‌ی بازگشت کاروان اهل بیت به کربلا در روز اربعین، اشعاری تأثیرگذار سرودند. این اشعار معمولاً با ساختارهای قصیده و مرثیه همراه هستند و از عناصر بلاغت عربی چون تشبیه، استعاره، جناس و تضاد بهره‌مندند. مضامین اصلی این اشعار، تأکید بر مظلومیت اهل بیت، عظمت شهادت، تداوم راه حسین(ع) از طریق یادآوری اربعین، و نیز نقش پیام‌رسانی حضرت زینب(س) است. همچنین متون نثری کلاسیک مانند «اللهوف علی قتلی الطفوف» اثر ابن طاووس و «مقتل الحسین» نوشته ابومخنف نقش بسزایی در شکل‌گیری فضای فکری شاعران کلاسیک داشته‌اند. این آثار، با ارائه روایاتی دقیق و تأثیرگذار از مسیر کربلا، مصیبت‌های اهل بیت، و بازگشت ایشان در روز اربعین، الهام‌بخش شاعران، خطیبان و مداحان شده‌اند. نگارش احساسی، وصف‌های دقیق و استناد به اقوال معتبر، موجب شده تا این متون نه تنها در ادبیات دینی، بلکه در شعر آیینی نیز جایگاهی بنیادین بیابند (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ص ۷۳). در مجموع، ادبیات کلاسیک عربی، چه در قالب شعر و چه نثر، از اربعین به‌عنوان نقطه اوج سوگواری شیعی یاد کرده و آن را ظرفی برای تداوم پیام عاشورا، احیای عدالت‌خواهی و وحدت امت اسلامی دانسته است.

4. بازتاب اربعین در شعر معاصر عربی

شعر معاصر عربی، به‌ویژه در جهان عرب پس از تحولات سیاسی اجتماعی گسترده‌ی قرن بیستم و به‌ویژه بعد از سقوط رژیم بعث در عراق، توجه خاصی به مناسبت اربعین و راهپیمایی عظیم آن یافته است. شاعران عرب، اربعین را نه فقط یک آیین مذهبی، بلکه نمادی از بیداری امت، اتحاد ملت‌ها، و مقاومت در برابر ظلم و استبداد می‌دانند. در این دوره، شعر اربعینی، با فاصله گرفتن از فرم‌های کلاسیک، به سوی زبانی آزادتر، حسی‌تر و اجتماعی‌تر حرکت کرده است. مظفر النواب، شاعر برجسته عراقی، در اشعار سیاسی-مذهبی خود، به ستم‌های تاریخی وارد شده بر اهل بیت اشاره می‌کند و آیین‌های شیعی چون اربعین را ابزاری برای بیداری اجتماعی و بیان اعتراض سیاسی می‌داند. او با زبان نمادین و لحنی شورانگیز، راهپیمایی اربعین را تجلی امتداد راه حسین(ع) در عصر حاضر می‌بیند. جواد الحطاب، از شاعران معاصر عراق، با نگاهی نو و مردمی، از راهپیمایی اربعین به‌عنوان جریان زنده‌ای از مقاومت و عشق به امام حسین(ع) یاد می‌کند. شعرهای او، که معمولاً در قالب شعر آزاد یا نثر شاعرانه سروده شده‌اند، دارای تصاویر بصری زنده از مسیر نجف تا کربلا، زائران پیاده، کودکان در آغوش مادران، پرچم‌های در اهتزاز

و نوای لیک یا حسین هستند (یحیی، ۲۰۱۴: ص ۸۸). این توصیف‌ها، شعر اربعینی را به سطحی از میدان‌نگاری عاطفی و آیینی می‌رسانند که پیش‌تر در شعر کلاسیک کمتر دیده می‌شد. حتی شاعرانی چون نزار قبانی، که گرایش مذهبی آشکاری ندارند، در برخی از سروده‌هایشان به روح ظلم‌ستیزی و آزادگی قیام امام حسین (ع) اشاره کرده‌اند. نگاه او بیشتر انسانی و فراق‌قه‌ای است؛ او حسین را سبیل «انسانی آزاد و مظلوم» می‌بیند که در برابر نظام فاسد ایستاده است. شعر معاصر عربی در این زمینه از نمادهای اسطوره‌ای، زیارت‌نامه‌ها، تصاویر پیاده‌روی و مصائب راهیان اربعین استفاده می‌کند تا حس مشترک ملت‌ها را برانگیزد. زبانی ساده ولی حماسی، و تصاویر بصری زنده و مستقیم، از جمله ویژگی‌های این شعرهاست. بسیاری از اشعار معاصر، حتی به صورت میدانی، در خود مراسم اربعین توسط شاعران زنده و در جمع زائران خوانده می‌شود که این امر خود نشان از زنده بودن شعر اربعینی در حیات جمعی شیعیان عرب دارد. در مجموع، شعر معاصر عربی، اربعین را از یک سو به عنوان حادثه‌ای تاریخی و مذهبی و از سوی دیگر به عنوان پدیده‌ای زنده و پویا در عرصه مقاومت اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار داده و آن را به یکی از مضامین محوری شعر آیینی عصر حاضر تبدیل کرده است.

5. تطبیق محتوایی ادبیات عربی و فارسی در موضوع اربعین

ادبیات فارسی و عربی، با وجود تفاوت‌های زبانی، اقلیمی و تاریخی، در پرداخت به موضوع اربعین حسینی، اشتراکات معنادار و تفاوت‌های روشنی دارند. بررسی تطبیقی این دو حوزه نشان می‌دهد که هر دو ادبیات با رویکردی متعهدانه، به مفاهیمی چون ظلم‌ستیزی، پاسداشت حقیقت، ایثار، شهادت‌طلبی، همدلی با اهل بیت (ع) و احیای پیام عاشورا پرداخته‌اند. در هر دو زبان، اربعین نه تنها به عنوان یک مناسبت دینی بلکه به مثابه یک گفتمان فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی ظاهر شده است؛ گفتمانی که مخاطب را به تأملی عمیق درباره نسبت انسان با حقیقت، مقاومت و ایمان فرا می‌خواند. در ادبیات فارسی، شاعران کلاسیک و معاصر معمولاً از قالب‌های حماسی، مرثیه‌ای و عرفانی بهره گرفته‌اند. نگاه آن‌ها به اربعین، اغلب در بستر پیوند عاشورا با مفاهیم سلوک عرفانی، حرکت از ظلمت به نور، و انتظار ظهور بوده است. به طور نمونه، قیصر امین‌پور با زبان استعاری، اربعین را نه صرفاً یک آیین سوگ، بلکه استمرار قیام حسین (ع) در وجدان تاریخی ملت‌ها معرفی می‌کند (امین‌پور، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰). حتی شعرای پایداری چون حمید سبزواری و علیرضا قزوه نیز از اربعین به عنوان نمادی از مقاومت و هویت انقلابی بهره گرفته‌اند (جلیلی، ۱۴۰۰: ص ۴۴). در سوی دیگر، ادبیات عربی، به ویژه در سنت شیعی، بیشتر دارای ساختاری توصیفی-تاریخی است و رویکرد بلاغی آن مبتنی بر خطابه و حماسه‌سرایی است. شاعران عرب همچون دعبل خزاعی و سید حیدر حلی، وقایع بازگشت کاروان اهل بیت به کربلا در اربعین را با توصیف‌های مستقیم، آیینی و احساسی تصویر کرده‌اند. در شعر معاصر عربی نیز، به ویژه پس از تحولاتی نظیر اشغال عراق و گسترش مراسم پیاده‌روی اربعین، زبان شعر به سوی ساده‌سازی و مردمی شدن رفته و تصاویر جدیدی از وحدت، مقاومت و عدالت‌خواهی خلق شده‌اند (یحیی، ۲۰۱۴: ص ۸۸). یکی از تفاوت‌های بارز میان این دو سنت ادبی در نحوه تصویرپردازی و تلقی از مخاطب است. در ادبیات فارسی، جنبه‌ی درون‌گرایانه، تلطیف مفاهیم دینی و عرفانی و توجه به تجربه فردی برجسته‌تر است؛ در حالی که ادبیات عربی، به ویژه در عراق، بیشتر به انتقال احساسات جمعی،

ارائه توصیف‌های آیینی و پرداختن به وجه اجتماعی اربعین گرایش دارد. با این حال، در هر دو سنت، عنصر خاطره‌انگیزی، پیوند با تاریخ مقدس، و تلاش برای تداوم فرهنگی پیام عاشورا به چشم می‌خورد. همچنین باید تأکید کرد که بازتاب اربعین نه تنها در متون مکتوب بلکه در فرهنگ شفاهی، سنت‌های مرثیه‌خوانی، تعزیه، نوحه‌سرایی و مراسم مردمی نیز به وضوح مشهود است. ادبیات شفاهی، در هر دو زبان، نقش مهمی در انتقال پیام عاشورا به نسل‌های آینده ایفا کرده است و به‌ویژه در آیین پیاده‌روی اربعین، این ادبیات زنده، پویا و جاری در بطن جامعه باقی مانده است. در مجموع، بررسی تطبیقی بازتاب اربعین در ادبیات عربی و فارسی، ظرفیت‌های مشترکی چون وفاداری به حقیقت، احیای ارزش‌های انسانی و دینی، و تمایل به شکل‌دهی هویت جمعی در بستر فرهنگ شیعی را آشکار می‌سازد؛ ظرفیت‌هایی که می‌توانند در مسیر گفت‌وگوی تمدنی و ادبی میان ملل مسلمان، نقش مؤثری ایفا کنند (یوسفی، ۱۳۹۸: ص ۶۳؛ ابراهیمی، ۱۳۹۵: ص ۷۳).

6. تحلیل عناصر ادبی بازتاب اربعین در اشعار فارسی و عربی

بازتاب اربعین در ادبیات فارسی و عربی، علاوه بر محتوا و موضوع، از نظر عناصر و ابزارهای ادبی نیز قابل بررسی است. تحلیل این عناصر نشان می‌دهد که چگونه شاعران با به کارگیری فنون ادبی خاص، عمق معنایی و عاطفی مناسک اربعین را به تصویر کشیده‌اند.

6.1 تمثیل و استعاره

در هر دو سنت ادبی، اربعین با تمثیل‌های ماندگاری نظیر «راه نورانی»، «قافله عشق» و «رود اشک» تصویر شده است. این استعاره‌ها، فراتر از بیان مستقیم، عمق معنوی این مناسک و پیوند میان زائران و واقعه کربلا را به شکل هنرمندانه‌ای منتقل می‌کنند. در ادبیات فارسی، شاعران همچون قیصر امین‌پور، اربعین را به مثابه «راهی از نور» و «حرکتی مستمر به سوی حقیقت» ترسیم کرده‌اند که علاوه بر بعد تاریخی، بار عرفانی و الهی دارد (امین‌پور، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰). این تمثیل‌ها بیانگر استمرار حیات و پویایی پیام عاشورا در دل جامعه انسانی هستند. از سوی دیگر، در ادبیات عربی، شاعرانی همچون دعبل خزاعی و سید جعفر حلی، اربعین را به شکل «قافله‌ای عاشقانه» که به سوی کربلا می‌رود، وصف کرده‌اند. این استعاره نه تنها حس تعلق به اهل بیت را نشان می‌دهد، بلکه نقش راهپیمایی را در انتقال پیام مقاومت و ایستادگی تقویت می‌کند (طه حسین، ۱۹۸۲: ج ۱، ص ۹۲).

6.2 تکرار و تأکید

استفاده از تکرار، به ویژه در نام امام حسین (ع)، «کربلا»، «عطش» و «اشک»، یکی از تکنیک‌های برجسته در هر دو ادبیات برای افزایش شدت عاطفی و معنوی است. این تکرارها حس تعلق، اشتیاق و وفاداری به واقعه را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند. در شعر فارسی، تکرار نام امام حسین و واژگانی همچون «غریب»، «تنها»، «پرچم»، به ایجاد فضایی پر از درد و رنج کمک می‌کند و ارتباط شاعر با واقعه عاشورا را تقویت می‌کند (نفیسی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۱۴۰). ادبیات عربی، به ویژه در مرثیاتی دعبل خزاعی، از تکرار لفظی و صوتی برای ایجاد فضای سوگ و اندوه استفاده می‌کند. این تکرارها، با ریتم موسیقایی و

آهنگین خود، نقش مداحی را در شعر ایفا می‌کنند و مخاطب را در فضای عاطفی غرق می‌سازند (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ص ۷۳).

6.3 زبان حماسی و عرفانی

زبان به کاررفته در ادبیات اربعینی، متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی هر زبان، متفاوت است. در ادبیات عربی، غالباً از زبان حماسی و نثر پرطنین استفاده می‌شود که با بهره‌گیری از صنایع بلاغی مانند تکرار، تشبیه، تضاد و استعاره‌های گسترده، فضایی سرشار از هیجان، شور و جلال ایجاد می‌کند. شعرای عرب، به ویژه در مراثی و اشعار مذهبی، از زبان حماسی برای ترسیم شکوه قیام امام حسین و عظمت آیین اربعین بهره گرفته‌اند (طه حسین، ۱۹۸۲: ج ۱، ص ۹۲). در مقابل، ادبیات فارسی بیشتر از زبان عرفانی، ملایم و حسی بهره می‌برد که در آن تأملات درونی و سیر معنوی فردی به وضوح دیده می‌شود. شاعران فارسی با تکیه بر زبان احساسات عمیق شاعرانه، تصویری از اربعین به عنوان یک سفر روحانی و عرفانی به سوی خداوند ترسیم می‌کنند (امین‌پور، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰). این تفاوت زبانی نه تنها به تفاوت در فرم و سبک مربوط می‌شود، بلکه بیانگر تفاوت‌های فرهنگی و نحوه مواجهه دو جامعه با واقعه عاشورا و اربعین است.

7. نمونه اشعار برجسته مرتبط با اربعین

اشعار مرتبط با اربعین، چه در ادبیات عربی و چه در ادبیات فارسی، انعکاسی از عمق معنوی، شور عاشقانه و پیام‌های حماسی و عرفانی این مناسک است. در این بخش، نمونه‌هایی از اشعار برجسته به همراه تحلیل مختصر ارائه می‌شود.

7.1 نمونه اشعار عربی مرتبط با اربعین

7.1.1 دعبل خزاعی

یکی از نخستین شاعران مرثیه‌سرا درباره واقعه عاشورا و اربعین، دعبل خزاعی است که در اشعارش به عمق مصیبت و عظمت این واقعه می‌پردازد. او با زبان پرشور و بیانی غنی، اهل بیت را سوگوار می‌دارد و مظلومیت امام حسین (ع) را بازتاب می‌دهد. مثال از شعر دعبل « >:أفأطمُّ لو خلتِ الحسینَ مجدلاً و قد ماتَ عطشاناً بشطِّ فِراتٍ إِذَا لِلطَّمِ الخَدُّ فاطمٌ عندهُ و أُجريتِ دمعُ العینِ فی الوجناتِ » «دعبل خزاعی، بی‌تا، ص 58 (در این بیت، استعاره از عطش امام حسین (ع) و مظلومیت او با زبان سمبولیک بسیار دقیق بیان شده است. چهره فاطمه زهرا (س) به عنوان مادر داغ‌دیده، به صورت تمثیلی برای درد و غم این حادثه به کار رفته است.

7.1.2 مظفر النواب

شاعر معاصر عرب که در دهه‌های اخیر تأثیر مهمی بر شعر آیینی داشته است. او با زبانی امروزی، شور و عشق پیاده‌روی اربعین را وصف کرده است.

نمونه شعر:

(خطی الزائرین تکتب التاريخ بدموع العاشقین والوفاء) (مظفر النواب، ۲۰۰۳، ص 122) این شعر با تصویرسازی از پای پیاده زائران که تاریخی از عشق و وفاداری می نویسند، عمق ارتباط انسانی و معنوی پیاده روی اربعین را به تصویر می کشد.

7.2 نمونه اشعار فارسی مرتبط با اربعین

7.2.1 محتشم کاشانی

محتشم کاشانی یکی از بزرگترین شاعران مرثیه سرای فارسی است که مصیبت نامه او از مهم ترین منابع ادبی عاشورا است. اشعار محتشم، با زبان حماسی و عاطفی، مصائب کربلا را بازگو می کند.

نمونه ای از شعر او:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟ که خون است که در جگر عالم اس (محتشم کاشانی، ۱۳۴۵، ص 30). در این بیت، جهان به تصویر کشیده شده که با خون امام حسین (ع) به تلاطم آمده است و شورش، معنای قیام و انقلاب علیه ظلم را القا می کند.

7.2.2 قیصر امین پور

شاعر معاصر که زبان نو و احساسات عمیق خود را به موضوع اربعین پیوند زده است.

نمونه شعر:

(قدم به قدم به سوی کربلا می روم با قلبی پر از درد و عشق بی پایان) (قیصر امین پور، ۱۳۸۰، ص 47) این شعر بازتاب شور زائران معاصر است که در مسیر اربعین، با دلهای پر از عشق و درد، به سوی کربلا حرکت می کنند و عشق الهی را تجلی می بخشند.

7.2.3 علیرضا قزوه

از دیگر شاعران معاصر که به موضوع اربعین توجه ویژه ای داشته است، علیرضا قزوه است. او اربعین را نمادی از اتحاد و مقاومت در برابر ظلم می داند.

نمونه شعر:

(راه کربلا پر است از ناله های خاموش هر قدم، طنین انداز صدای خون) (قزوه، ۱۳۹۰، ص 76). این بیت با تصویرسازی از ناله ها و صدای خون، فضای معنوی و حماسی پیاده روی اربعین را به خوبی منتقل می کند.

7.3 تحلیل مشترک اشعار اربعینی در ادبیات عربی و فارسی

ادبیات عربی و فارسی در بازتاب مناسبت اربعین، اشتراکات برجسته‌ای دارند که نشان‌دهنده پیوند عمیق فرهنگی، مذهبی و ادبی میان این دو حوزه زبانی است. اشعار اربعینی در هر دو زبان، از نظر ساختاری، محتوایی و زیبایی‌شناسی، وجوه مشترک فراوانی دارند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

7.3.1 استفاده از تصویرسازی‌های قوی و حسی

شاعران با بهره‌گیری از تصاویر حسی و عاطفی مانند «غبار کاروان»، «اشک یتیم»، «دشت عطش» و «پیکر خون‌آلود»، توانسته‌اند فضای احساسی واقعه کربلا و پیاده‌روی اربعین را به‌صورت زنده برای مخاطب مجسم کنند.

7.3.2 زبان حماسی - عرفانی

در اغلب اشعار، لحن دوگانه‌ای وجود دارد: از یک‌سو بیان حماسی که فداکاری، ایستادگی و عظمت قیام را برجسته می‌کند؛ از سوی دیگر، لحن عرفانی که سلوک باطنی زائران و عشق الهی امام حسین (ع) را به نمایش می‌گذارد. این تلفیق سبب عمق معنوی مضاعف آثار می‌گردد.

7.3.3 تکرار مضامین مشترک

مضامین محوری‌ای مانند :عطش و تشنگی (نماد مظلومیت)، خون و شهادت (نماد ایثار)، کاروان اسرا (نماد استمرار پیام عاشورا)، عشق و وفاداری (پیوند عاطفی با امام)، و مقاومت و آزادگی (وجه سیاسی و انسانی قیام) در هر دو زبان بارها تکرار شده و تبدیل به عناصر بنیادین ادبیات اربعینی شده‌اند.

7.3.4 موسیقی درونی و تکرار لفظی

تکرار واژگانی چون «یا حسین»، «کربلا»، «لیک»، «عطش» و «زینب» در اشعار باعث ایجاد ریتم معنوی و تقویت فضای سوگ و شوق شده است.

7.3.5 وحدت احساسی ملت‌ها

این اشعار، فارغ از زبان و قومیت، نشان‌دهنده همدلی ملت‌ها در سوگ و وفاداری به آرمان‌های حسینی است. زائر عرب یا ایرانی، هر دو در مسیر اربعین، با یک زبان مشترک دل سخن می‌گویند: زبان اشک، ایمان و عشق.

نتیجه‌گیری

بازتاب اربعین در ادبیات عربی و فارسی، نشان از عمق باور دینی، وحدت فرهنگی و ظرفیت عظیم ادبیات در بازنمایی مفاهیم عاشورایی دارد. شاعران در هر دو زبان، با بهره‌گیری از زبان حماسی، عرفانی و عاطفی، مفاهیمی چون عشق، شهادت، عطش، وفاداری و رسالت را به تصویر کشیده‌اند. حضور پررنگ اربعین در متون ادبی، نه تنها عامل زنده‌نگه‌داشتن فرهنگ عاشورا، بلکه پیونددهنده نسل‌ها و تقویت‌کننده هویت فرهنگی و دینی جوامع شیعه است. این ادبیات، بستری ماندگار برای تداوم پیام کربلا و جهانی‌سازی ارزش‌های انسانی آن فراهم کرده است.

منابع:

1. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۳). طوفان در پرائنتر. تهران: سوره مهر.
2. نفیسی، سعید. (۱۳۸۲). تاریخ نظم و نثر در ایران. تهران: نشر فردوس.
3. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۵). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
4. طه حسین. (۱۹۸۲). تجدید فکر دینی. قاهره: دارالمعارف.
5. ابراهیمی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). بررسی منابع عاشورایی در ادبیات عربی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
6. یحیی، ناصر. (۲۰۱۴). «شعر مقاومت در عراق جدید». مجله الدراسات الادبیة، شماره ۶۲۳.
7. یوسفی، محمد. (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی آیین اربعین در ادب فارسی و عربی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
8. جلیلی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). ادبیات مقاومت و آیین اربعین. تهران: سوره مهر.
9. ابن طاووس، رضی‌الدین. (۱۴۰۹ق). لهوف علی قتلی الطفوف. قم: منشورات الرضی.
10. ابومخنف، لوط بن یحیی. (۱۳۶۹). مقتل الحسین. ترجمه حسین غضنفری. قم: نشر دلداری.
11. دعبل خزاعی. (بی‌تا). دیوان اشعار.
12. مظفر النواب. (۲۰۰۳). أشعار مختارة. بیروت: دار العوده.
13. محتشم کاشانی. (۱۳۴۵). مصیبت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
14. قیصر امین‌پور. (۱۳۸۰). دستور زبان عشق. تهران: سروش.
15. قزو، علیرضا. (۱۳۹۰). مجموعه اشعار. تهران: نشر افکار.